

یدا... کابلی هنرمند پیشکسوت خوشنویس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دست‌های آلوده مافیا، حراج‌های تجسمی راهم بی‌نصیب نگذاشته است

■ فرهنگ‌وهنر ما امروز به‌ورطه سیاست‌زدگی افتاده است



عکاس: وحید سربازی /فرهنگیان (۱۳)

یدا... کابلی هنرمند پیشکسوت در حوزه خوشنویسی است. او را می‌توان یکی از هنرمندان چیره‌دست در حوزه شکسته‌نویسی معاصر قلمداد کرد. او عضو شورای عالی انجمن خوشنویسان ایران و دارنده اولین گواهینامه استادی و درجه یک هنری نیز هست. کابلی در دهه ۴۰ و به‌طور مشخص در سال ۴۶ به شکل رسمی به عرصه هنر وارد شد و خط نستعلیق را به مدت سه سال نزد سیدحسن میرخانی فرا گرفت. خودش می‌گوید در حوزه خط شکسته از محضر استاد ی بهره نگرفته و منبع الهامش، رویارویی با آثار استادانی چون درویش عبدالمجید طالقانی، میرزا کوچک اصفهانی، میرزا غلامرضا و سید گلستانه بوده است. او فرآیند آرزمشندی در نوآوری خط شکسته معاصر داشته است و استادان صاحب‌نامی حاصل این‌نگرش و پویایی هستند که محمد حیدری، علی اکبر رضوانی، اسرافیل شیرچی، علیرضا که‌خدایی، مهدی اسماعیلی، روح... دلخانی، حسینی‌پور، مهدی رفیعی‌فراهانی، راضیه سپهر و... از این جمله‌اند. کابلی در سال‌های اخیر کتاب‌هایی درباره آموزش شکسته‌نویسی و شکسته‌خوانی تالیف و منتشر کرده که «سماعِ قلم»، «کلک شیدایی»، «شکسته پیوسته» و... برخی از این آثار بوده‌اند. این هنرمند پیشکسوت در سال ۱۳۸۵ به عنوان چهره ماندگار خوشنویسی ایران برگزیده شد. او تاکنون نمایشگاه‌های متعددی در داخل و کشورهایی چون انگلستان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، پاکستان، امارات متحده عربی، ترکمنستان، روسیه و همچنین در دانشگاه‌های معتبر ایالات متحده آمریکا و کانادا برگزار کرده است. با این هنرمند درباره مافیای حراج آثار هنری، انتقادات به عملکرد انجمن خوشنویسان و... به‌گفت‌وگو نشستیم.



آزاده صالحی روزنامه‌نگار

است. طبعاً اگر هنرمندی بخواهد اثری ارائه کند که مطابق با معیارهای مجامع بین‌الملل باشد و به عبارتی رنگ‌وبوی جهانی داشته باشد، دیگر نمی‌تواند به شیوه خوشنویسی که در صدسال پیش رایج بوده‌بسنده‌کند، بلکه تلاش می‌کند شیوه قدما را با تکنیک‌های نوتری از جنس زمانه امروز تلفیق کند. اگر شما با ابداع در خط موافق هستید چرا خودتان هیچ‌گاه در این عرصه پا از شیوه سنتی فراتر نگذاشتید و به سمت نقاشیخط نرفتید، کما اینکه امروز می‌بینیم هنرمندان نقاشیخط به مراتب بیشتر از خوشنویسان از قبل این حرفه به درآمدزایی می‌پردازند؟

مساله این است که هر هنرمندی یک رسالت تاریخی برای خود قائل است و از سویی دیگر، جایگاه ویژه و خاصی برای نسل نوجو پیش‌رو دارد. برای هنرمندانی چون من که عمری است رسالت‌مان در حفظ اصالت و سنت و در ذات خوشنویسی خلاصه شده، درست این است که تلاشی که در دهه‌های گذشته شروع کرده را ادامه بدهیم و نسبت به حفظ این دستاورد که مخاطب زیادی هم در داخل و خارج دارد تلاش کنیم. با این تفاسیر، در عین حال بنده که پایبند به حفظ سنت‌ها و اصالت هستم، نقش پرنگ تکنولوژی را در این سال‌ها در حیطه خوشنویسی انکار نمی‌کنم. این را هم می‌دانم که هنرمند تا به جامعیت و خلاقیت فردی و شخصی هنری دست‌نیابد نمی‌تواند جایگاهی پررون‌مزتی پیدا کند. بنابراین همیشه مدافع حرکت‌های نوگرایانه جوانان در این عرصه بوده و هستم. معتقدم اگر قرار است هنرمندی به ارائه اثر بپردازد باید اثر دلخواه خود را بسازد که بیانگر حرف روزگار او نیز باشد. شکی نیست که سیر تکاملی تاریخ هنر متضمن و مستلزم یک جهان‌بینی هنری است. هنر خوشنویسی به‌الخاص قلم‌شکسته‌خوشنویسی بسرشار از فرم‌ها و فضاهای مدور دل‌انگیز است.

درباره خود شما این امر یعنی نوآوری چطور بوده‌است؟ من در حدود چهار دهه پیش در شروع کار خود پیرو استادان و نوابغ بزرگی چون درویش عبدالمجید و سید گلستانه‌بودم، ولی یک‌باره به این تصور رسیدم که باید حرفی از قابلیت‌های عصر خود را با این هنر عرضه کنم، بنابراین با حفظ هندسه‌اصیل آن، ترکیب‌بندی و فضاهایی را در قطعه‌آرایی‌هایی تازه پی‌گوشتم؛ فضاهایی که در آن هیچ ایستایی نداشته است. ۴۵ سال پشت این تغییر ایستاده‌ام. امروز شیوه‌ای که من در پیش گرفته‌ام مقبول افتاده و جوانان بسیاری در چهار گوشه کشور با استمرار در این شیوه به توفیقات و استادی این قلم‌نائل آمده‌اند. من با توجه به سال‌ها تدریس کاربردی گرافیک خط و سبایقه موانست با شادروانان رضا مافی و فرامرز پیلارام می‌توانستم در

این عرصه موفق باشم، ولی دوست داشتم این فعالیت را در سرپنجه جوانان تماشا کنم. فقط یک توصیه به جوانانی که اشتیاق فعالیت در حوزه نقاشیخط دارند، می‌کنم و آن اینکه در خوشنویسی همواره دو وجه نوشتاری با هندسه ظریف، دلپذیر، اصولی و قانونمند همراه بوده و امیدوارم فعالیت هنرمندان جوان در نقاشیخط به گونه‌ای باشد که فریبندگی رنگ، آنها را از خط اصلی دور نکند.



امروز یکی از مشکلات بزرگ ما در خط شکسته، در شورای هنری وزارت ارشاد است که در چند سال گذشته کاملاً سلیقه‌ای و شیوه‌گرایی عمل می‌کنند و رای قانونی صادره بنده و تئی چند از پیشکسوتان انجمن را که با حکم قانونی مقام محترم وزیر ارشاد به بررسی آثار چندین هنرمند شاخص و صاحب‌نام کشور که حائز رتبه اول بوده‌اند، با خصومت، نقض کردند و با پیگیری‌های مکرر و صحبت‌های حضوری با وزرای وقت جناب جنتی و امیری صالحی در این باره قرار رسیدگی گذاشتند ولی بی‌نتیجه مانده است

یعنی می‌خواهید بگویید اغلب آثار نقاشیخط که امروز به شکل انبوه هم ارائه می‌شوند و در معرض دید مخاطبان نمایشگاهی قرار می‌گیرند فقط به لحاظ بصری و تصویری جذابیت دارند، ولی از محتوا تهی هستند؟ هم‌ه‌اش خیر، آثار هنرمندان برجسته و فهیمی در این عرصه وجود دارد که در کمال مطلوب است، ولی اکثر آثاری از این دست فقط با فریبندگی و غلبگی عرضه رنگ حاصل می‌شوند و در واقع ماهیت هنر را زیر سوال می‌برند. به بیان ساده‌تر، وقتی به اغلب این آثار نگاه می‌کنیم با نوعی

سردرگمی عجیب مواجه می‌شویم که امروز گریبان جامعه خوشنویسی را گرفته یا بهتر بگوییم هنرمندان تنها بخش گرایش‌ی‌افزآورفته‌اند. این سردرگمی باعث‌شده‌هنرمندان‌با هندسه‌مغلوط، فرم‌هایی بی‌پایه‌و‌اساس به حرمت‌و‌حیثیت خوشنویسی لطمه‌جدی وارد کنند که البته گاه نمونه‌هایی که قانونمندبه‌اجرا درآمده‌از این‌قاعده‌مستثنی است. در آثار پیشینیان گذشته، کارها با فهم و درایت همراه بوده و حتی با پاره‌های حرف‌ه‌اثری زیبا ارائه می‌شد. نمونه‌آن آثار جاودانه شادروان رضامافی است که در هر منظری از کار گرایشی وارد می‌شدن آن را با نگاه متعالی خود فتح کرد یا شادروان فرامرز پیلارام که پیش از هر چیز نقاشی چیره‌دست بود که اگرچه با قلمروی خوشنویسی بیگانه بود ولی به هندسه حروف و کلماتی که به خدمت می‌گرفت اشراف داشت و در نهایت آگاهی و بصیرت، طرح و ایده‌های خود را به‌اجرا در می‌آورد. به دلیل همین مولفه‌های او هم صاحب آفرینشی شد که به‌بهشت می‌ماند. یاد در دوره کنونی، استاد بی‌بدیل نصرا... افجهای هنرمندی در این‌وادی است که با دنیایی از توانایی، مهارت‌و‌از همه مهم آگاهی و دانش نسبت به هر دو حیطه، به ارائه اثر نقاشیخط می‌پردازد.

از آنجایی که شما هم در سال‌های اخیر به کاربران شبکه‌های اجتماعی پیوسته‌اید، یک سوال در این ارتباط داشتم: برخی از هنرمندان چه در حوزه خط و نقاشیخط اخیراً در قالب برنامه لایو، شروع به خلق اثر در برابر دیدگان کاربران در اینستاگرام می‌کنند و گاه برای آنکه به جذب مخاطب بپردازند، روی کلیپ مورد نظر یکی از آهنگ‌های خوانندگان جوان و امروزی را می‌گذارند. آیا شما با این رویه موافق هستید؟

نه موافق نیستم و به نظرم نباید هنر‌ها وارد قلمروی عملی یکدیگر شوند. باید مراقب باشیم که از این‌رهگذر خدشه‌ای به هنر وارد نشود. دو‌وادی هنر هستند که از گذشته تا امروز به‌سرچشمه‌معنا متصلند؛ یکی خوشنویسی و دیگری آواز. این دو هنر ضرورت دارد همواره در خلوت و با حفظ مولفه‌هایی چون تأمل و تعمق خود‌شکل بگیرند، طبعاً حرکت‌هایی از این دست، صرفاً بازار گرمی‌هایی تلقی می‌شود که مورد تایید بزرگان این عرصه نیست.

سوال بعدی من در باره عملکرد انجمن خوشنویسان ایران است، ولی مساله این است که اغلب هنرمندان خوشنویس به این سوال که می‌رسند از موضع محافظه‌کاری در صدد پاسخ برمی‌آیند. با این حال این سوال را با شما مطرح می‌کنم. برخی از هنرمندان نوگرا از این مساله انتقاد می‌کنند که انجمن خوشنویسان به هیچ‌وجه با برداشتن قدم‌های تازه در

اگر ممکن است سوال اول را به ابعاد تجاری خط و نقاشیخط اختصاص دهیم که در سال‌های اخیر بیشتر شاهد این مساله بوده‌ایم، به‌خصوص در ۱۵۰۱۰ سال گذشته با گرفتن حراج‌هایی چون «کریستی»، «ساتبی»، «بونامز» و... می‌بینیم بسیاری از هنرمندان با سودای به‌دست آوردن شهرت و درآمد بیشتر، تمایل به عرضه آثارشان در این حراج‌ها دارند. خود شما هم در این حراج‌ها شرکت کرده‌اید؟

بله، در این سال‌ها در حراج‌های مختلفی شرکت کرده‌ام، ولی در پاسخ به سوال شما باید بگویم واقعاً دلم به درد می‌آید از اینکه کشورهای همچوار مانند ترکیه، امارات و قطر که هیچ سابقه درخشان و تاریخی در این هنر ندارند، به‌مراتب بیشتر از ایران فعالیت دارند و جشنواره‌های متعدد سالانه با جوایز کلان ارزی را مدیریت می‌کنند و به هنر ایران به‌خصوص خوشنویسی و نقاشیخط اهمیت می‌دهند؛ آن هم بدون پشتوانه‌های درخشان فرهنگ و تمدن این سرزمین. ولی می‌بینیم آنها به هنر خوشنویسی و نقاشیخط ما اهمیت می‌دهند، مساله این است که حوزه فرهنگ و هنر در کشور ما سیاست‌زده شده و مسئولان امور فرهنگی هم بی‌هیچ دغدغ‌ای در پی‌روزم‌رگی‌ها و حمایت‌از عوامل شخصی خود هستند و این‌حوزه‌مورد‌غفلت‌زدگی فرهنگی واقع‌شده‌است. ما برای توسعه هنر و معرفی هنرمندان برجسته و استادان صاحب‌عبار خود هیچ کار شایسته و بین‌المللی نکرده‌ایم. یا حراجی در قد و قواره «کریستی» و «بونامز» نداشته‌ایم، بنابراین طبیعی است که اغلب هنرمندان ایرانی چشم‌شان به سمت حراج‌های آن سوی آب است.

شاید هم تعدادی از هنرمندان گاه جوان‌تر و جوانی‌نا‌م‌تر در عرصه خط و نقاشیخط (بی‌آنکه قصد داشته باشیم در این مقوله توهمین کنیم) نسبت به حضور در حراج‌های آن سوی آب، به‌مادی‌گرایی بیشتر از ارزش‌های هنری یک اثر اهمیت می‌دهند، بنابراین در تلاشند به هر قیمتی در چرخه ارتباط با بعضی از گردانندگان فرصت‌طلب قرار گرفته‌و‌واردبده‌بستان‌های غیر معمول شوند تا امورش‌ان بگذرد و صاحب‌اسم‌و‌رسمی‌هم‌باشوند، چون به‌هر حال سود‌سرهاش‌از فروش آثار خط در حراج‌ها از سوی خریداران بعضاً غریب‌تر هم نیست؟

اگرچه هنوز بر این باورم ما در روزگار طلایی خوشنویسی سنتی به‌سر می‌بریم، ولی چندان‌که اشاره کردم بخش‌های کارسردی مثل نقاشیخط و گرایش‌های مختلف آن هم طیف‌مکشادگان خود را دارد و رونق بسیار یافته است و مایه خوشحالی است که هنرمندان جوان، امروز بیشتر در حراج‌هایی که نام‌برده‌اید حضور می‌یابند و عرصه‌های بین‌المللی را از آن خود می‌کنند.

اصلاً خود شما به عنوان هنرمند با سابقه‌ای در حوزه خط با نفس برگزاری حراج آثار هنری در حاشیه کشورهای همسایه، خاصه خلیج فارس موافقت می‌کنید، چون برخی به این مساله اشاره می‌کنند که برگزاری این حراج‌ها چندان بی‌عیب هم نیست؟

به‌هر حال حراج‌های تجسمی محملی برای دیده‌شدن و فروش آثار هنرمندان به‌شمار می‌روند و می‌توانند جایگاه خوبی از این منظر باشند. مشروط بر آنکه هنرمندان، غفلت‌زده مسائل مالی کمپانی‌ها نشوند، ضمن اینکه متأسفانه می‌بینم در حراج‌هایی که نام برده‌اید، ردپای کارشناسی‌های اصولی هنری کم‌رنگ بوده و بیشتر سلیقه حاکم است.

در این ارتباط برخی اشاره می‌کنند دست‌های پشت پرده در حراج‌های آن طرف‌آبی کم نیست و به نوعی مافیادار این‌وادی، برنده ماجرا است. نظر شما چیست؟ باید دید منظور شما از مافیا به‌طور مشخص چیست. البته در همه حراج‌ها مافیاهست و کسی هم منکر آن نیست. به‌معنی اینکه عده‌ای، مجموعه‌آثار و کلکسیونر آثار هنرمندان را به قیمتی نا‌ازل خریداری و با آرایشی‌ها و مشاوره‌ها مدیریت کرده و در زمان مناسب آنها را در بازارهای گوناگون داخلی و خارجی چند برابر قیمت عرضه می‌کنند که بخش بسیار اندکی نصیب صاحب‌اثر می‌شود. آن نظر من مافیا این است که چنانچه یک هنرمند را به قیمت متوسط از او می‌خرند و به قیمت بالا‌ای فروشند که این روش خیلی مطلوب نیست. حالا این مفهوم به آنچه نسبت به مافیای هنری در ذهن شما بود نزدیک است؟

حالا ای کاش دامنه فعالیت مافیایی که به آن اشاره می‌کنم فقط در این اندازه باشد. انتقادی که برخی هنرمندان مطرح می‌کنند این است که در حراج‌های بین‌المللی، چندین‌سال فقط نام پنج‌شش هنرمند مطرح می‌شود و آثارشان فروش می‌رود و نوبت به دیگر هنرمندان جوان‌تر و خلاق و صاحب‌نبوغ نمی‌رسد، حتی اگر آنها کارشان به مراتب از فنان هنرمند پیشکسوت نقاشیخط هم بهتر باشد؟

نکته این است که اغلب حراج‌های آن‌سوی‌آب دچار سوءمدیریت هستند. به‌همین خاطر است که گله‌مندی‌های بسیاری از رونده فروش آثار از سوی هنرمندان به گوش می‌رسد. در واقع در چرخه حراج، به‌دلیل بده‌بستان‌هایی که موجود دارد، فضای فعالیت‌تنها برای عده‌ای خاص فراهم می‌شود. ولی واقعاً همان‌طور که در سوال هم اشاره کرده‌اید، هستند هنرمندان جوانی که کارشان هم خیلی خوب است و فقط به دلیل سوءمدیریت‌ها و مسائل دیگر، آثارشان را به این حراج‌ها راه نمی‌یابد و دیده نمی‌شوند. در حالی که اگر قرار است در جریان برگزاری یک حراج فقط عده‌ای خاص نام‌برده‌شوند، طبعاً به‌بیکره هنر در درآمدت لطمه‌وارد شده و باعث می‌شود هنرمندان قابل و جوان پشت درهای بسته‌بمانند. البته باید منتظر شرایط مطلوب اقتصادی بود تا این کاستی، در حراج‌ها با سیاستگذاری مرتفع شود. در این صورت است که می‌توان از ظرفیت گسترده همه هنرمندان بهره گرفت، ولی اساساً سیاستگذاری‌ها در اغلب حراج‌های تجسمی بر همین منوال است.

نکته دیگری که درباره خوشنویسی و گرایش‌های مختلف آن مثل نقاشیخط وجود دارد مساله ابداع

■ برخی انتقادات به عملکرد انجمن خوشنویسان را قبول دارم

حیطه خط موافق نیست. خود شما چقدر با این بخش از انتقادات در این زمینه موافق هستید؟

اول بگویم من به‌عنوان هنرمندی که از سالال ۴۶ تا امروز یعنی نیم‌قرن، حضور و مسئولیت پیوسته با انجمن داشته‌ام، هیچ‌گاه نسبت به ضعف‌ها و معضلات انجمن یا هر نهاد هنری در برابر اهالی رسانه محافظه‌کاری نکرده‌ام، بلکه همواره در ردیف کسانی بوده‌ام که اگر مورد گفت‌وگو قرار گرفته‌ام پاسخ شفاف داده‌ام. صدها نمونه گفت‌وگو در امر معضلات تشکیلاتی و هنری و کم‌عنایتی نسبت به دفاع از حقوق جوان‌ها بوده که به‌صورت انتقادی بیان کرده‌ام که گاه به مذاق عده زیادی در انجمن یا جاهای دیگر خوش نیامده است. ولی مساله این است که امروز ما مشکلات عمده‌تری در برابر هنرمندان تراز اول کشور داریم؛ هنرمندانی که سرمایه‌های معنوی چند دهه‌کوشش تخصصی هستند.

منظورتان به‌طور مشخص چه مشکلاتی است؟ امروز یکی از مشکلات بزرگ ما در خط شکسته، در شورای هنری وزارت ارشاد است که در چند سال گذشته کاملاً سلیقه‌ای و شیوه‌گرایی عمل می‌کنند و رای قانونی صادره بنده و تئی چند از پیشکسوتان انجمن را که با حکم قانونی مقام محترم وزیر ارشاد به بررسی آثار چندین هنرمند شاخص و صاحب‌نام کشور که حائز رتبه اول بوده‌اند، با خصومت، نقض کردند و با پیگیری‌های مکرر و صحبت‌های حضوری با وزرای وقت جناب جنتی و امیری صالحی در این باره قرار رسیدگی گذاشتند. ولی این کاری نتیجه‌رها شد و در حال حاضر هم پرونده بسیاری از هنرمندان با بیش از ۲۰ سال کار تخصصی مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. این نقض حقوق هنرمندان جوانی است که همه عمر خود را در راه احیای قلم شکسته گذاشته‌اند و باید بی‌غرض به آثار آنها نظر داد!

گذشته از بحث خوبی که مطرح کرده‌اید، بی‌آنکه از موضوع عملکرد انجمن دور شویم، پس بعضی انتقادات وارد شده نسبت به این نهاد را قبول دارید؟

به‌هر حال انجمن همواره تلاش کرده در این سال‌ها به ارتقای هنر خاصه در حوزه خوشنویسی کمک کند، حال در این عملکرد نواقص و کاستی‌هایی هم ممکن است وجود داشته باشد اما اگر هم بوده‌هم مدافع آن نبوده‌ام. در برهه‌هایی انجمن دست‌خوش اشتباه شده است، ولی آنچه اهمیت دارد اینکه انجمن بیش از نیم قرن به تربیت هنر جوانان و استادان برجسته و کم‌نظیری پرداخته که کم‌سابقه بوده و آمار ی بیش از ۳۰ هزار عضو را در شعب مختلف کشور... علاوه بر این در زمینه برگزاری نمایشگاه‌های مختلف و انتشار آثار هنری نیز فعالیت داشته است. همه این مولفه‌ها نشان می‌دهد که کارنامه انجمن از این منظر ضعیف نیست، ولی همان‌طور که اشاره کردید مشکلاتی در برهه‌هایی وجود داشته که موجب سوءتفاهم در ارتباطات خوشنویسی معاصر شده که امید است با آسیب‌شناسی و نظارت دقیق این مشکلات مرتفع شود.

درباره تغییر شیوه‌های آموزشی نسبت به خوشنویسی در انجمن چطور؟

آنچه مسلم است اینکه انجمن از دیرباز تا امروز دارای اساسنامه و آیین‌نامه‌ای است که موظف است براساس آن عمل کند، بنابراین برای حفظ حیات ارقام چهارگانه خط یعنی نستعلیق، ثلث، نسخ و شکسته فقط باید از طریق آموزش سنتی پیش‌رفت و بس و انجمن نمی‌تواند نگاه تازه و کاربردی نسبت به آموزش این خطوط داشته باشد.

در ماه‌های گذشته خبرهایی درباره علی شیرازی که یکی از استادان بنام در حوزه خط و نقاشیخط است در رسانه‌ها منتشر شد، عده‌ای مدعی شده بودند آثاری که از سوی این هنرمند به مردم فروخته شده، اورژینال نبوده و او آثار پرینت را به جای اصل به مردم فروخته است، به نظر شما اصلاً چطور می‌توان صحت و سلامت یک اثر هنری در حیطه خوشنویسی را تشخیص داد؟

در سال‌های اخیر با توجه به اقبال مخاطبان نسبت به خرید آثار خوشنویسی قدیم و جدید شدت یافته، آثار هنری نادر و کمیاب شده‌اند. همین مساله موجب شد بازار کاذبی به نام کپی‌کاری در حیطه هنر شکل بگیرد که پدیده مهلک و ناخوشایند است. حالا این آسیب به دست چه کسی رخ داده و کجا صورت می‌گیرد؟ نمی‌دانم، اما این را می‌دانم که این مساله در سال‌های اخیر شیوع بیشتری یافته است. ولی در پاسخ به سوال شما می‌توانم بگویم در این زمینه، کارشناسان متخصص آثار هنری هستند که سره‌از ناسره‌ادر این بین تشخیص می‌دهند. امروز تکنولوژی پیش‌رفت کرده و خوب است که خوانندگان روزنامه شما هم در امر خرید اثر هنری دقت کنند. متأسفانه در بازار کاذب کپی‌کاری، برخی هستند که آثار قدما را پرینت می‌گیرند و روی آن سایه‌روشن مرکب می‌آوردند، بعد روی تذهیب راه عینارنگ‌گذاری می‌کنند و پس از آن کشیدن لایه روغن کمان، اثر کپی را به جای اورژینال به خریدار عرضه می‌کنند. یا بارها پیش آمده است که برخی افراد سودجو، آثاری را که فاقد امضا بوده‌از نو به نام استادان دوره‌های پیشین خوشنویسی امضا و به‌عنوان اثری قدیمی و اصل به مخاطب عرضه می‌کنند. بنابراین در این زمینه برای استتخ خریداران آثار هنری، از کارشناسان اموزه‌ای ویژه‌بهری اختصاص آثار مورد نظر کمک بگیرند. البته در اروپا خرید و فروش کارهای پرینت امری متداول است، ولی به این شکلی که هنرمند تعداد معینی از اثری پرینت را به‌صورت متوالی امضا می‌کند و ارائه می‌دهد، ولی اینکه شخصی بخواهد اثر تقلبی را به نام اثر اورژینال به مخاطب عرضه کند، طبعاً کاری خلاف و ناشایست است. از سوی دیگر، اساساً جریان ایجاد کردن برای هنرمندانی نظیر استاد علی شیرازی با هدف مخدوش حرمت و حیثیت هنرمندانی صاحب‌نام و توانمند واقعاً به دور از انصاف است. در عین حال اگر هم در حیطه خط و نقاشیخط هستند، کسانی که آثار کپی را به جای اثر اصل به مردم می‌فروشند باید به وسیله گروهی که کارشان کارشناسی آثار هنری است شناسایی و معرفی شوند.